

## مطالعه تطبیقی فرم و نقش جام‌های فلزی مکشوفه از مارلیک و حسنلو

فروغ جلیلی‌نیا<sup>۱</sup>، فنوش شمیلی<sup>۲\*</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد صنایع دستی، گروه صنایع دستی، دانشکده هنر، دانشگاه سوره، تهران، ایران.

<sup>۲</sup> استادیار، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۸/۲۶، تاریخ پذیرش: ۹۹/۷/۸)

### چکیده

مطالعه اسناد مکشوفه در طی حفاری‌های باستان‌شناسانه، همواره پلی به سوی کشف مناسبات، همبستگی‌ها و مرادوات مردمان پیش از تاریخ بوده است. در این مقاله برآنیم تا با بررسی فرم و نقوش جامه‌ای فلزی مکشوفه از دو حوزه جنوب دریای خزر و دریاچه‌ی ارومیه، یعنی مارلیک و حسنلو به دو سؤال اساسی پاسخ گوییم. اول اینکه آثار فلزی مکشوفه از حسنلو و مارلیک واجد چه ویژگی‌های بصری مشترک می‌باشند؟ دوم آنکه ویژگی‌های خاص این ظروف نشان‌دهنده چه ارتباطاتی بین اقوام پیش از تاریخ ایران و همسایگان هستند؟ در این پژوهش، که با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی انجام پذیرفته، پژوهشگران توانسته‌اند ۱۲ نمونه از جام‌ها (کلیه نمونه‌های یافت‌شده) را از دو حوزه یادشده در قالب جداولی معرفی و به بررسی نقوش آن‌ها اقدام کنند. یافته‌های تحقیق نشانگر این است ساختار کلی ظروف شامل تکنیک و روش ساخت و همچنین فرم، نقوش و تزئینات از قبیل نقوش شمایی از نوع انسانی، حیوانی و گیاهی و نیز انتزاعی از قبیل هندسی و غیرهندسی مشابه و قابل مقایسه با یکدیگر بوده و نشانگر وجود ریشه‌های واحد قومی و ارتباطی است که از منظر نواحی شمالی و غرب دریای خزر، اطراف دریاچه ارومیه، قفقاز، مارلیک و لرستان قابل بررسی می‌باشد.

### واژه‌های کلیدی

جام‌های فلزی، حسنلو، مارلیک، فرم و تزئینات، وجوه اشتراک، تأثیرات.

\*نویسنده مسئول؛ تلفن: ۰۹۱۴۴۱۶۱۶۲۰، شماره: ۰۴۱-۳۵۴۱۹۷۰۰، E-mail: f.shamili@tabriziau.ac.ir

## مقدمه

نطفه فرهنگ ایرانی با تمامی بار معنایی آن نام می‌برد (همان، ۱۷۴). بدین نحو ضرورت مطالعه‌ی تاریخ و فرهنگ فلات ایران از دیرینه‌ترین ایام پیش از پیش آشکار می‌شود نه از آغازین سده‌های هزاره‌ی اول ق.م که زمان ورود قوم ایرانی زبان ماد بدین ناحیه‌ی جغرافیایی است. از طرفی گزارشات اسناد تاریخی آشوری متعلق به قرن نهم نشان می‌دهند که این منطقه از دریاچه ارومیه و پیرامون آن در آذربایجان جنوبی تا کوهستان‌های کردستان ماننایی خوانده می‌شده است.

حسنلو، بزرگ‌ترین محوطه در دره رود گدار است که از کوه‌های زاگرس در غرب سرچشمه می‌گیرد و به سمت شرق تا سواحل جنوبی تالاب دریاچه ارومیه جریان می‌یابد، این دره پل ارتباطی مستقیمی میان مرزهای آشور در غرب و مناطق کوهستانی ایران در شرق به‌شمار می‌رفت (دایسون، ۱۳۸۶، ۱۳).

ما در این پژوهش برآنیم تا با بررسی شواهد و قرائن موجود در ساختار بصری، و محتوایی و نیز تکنیکی جام‌های فلزی مکشوفه از این دو حوزه و با مطالعه‌ی توصیفی-تحلیلی زمینه تفکر و تعمق بیشتر در موضوع یاد شده را بیش از پیش فراهم آورده، راهی برای اثبات وجود همبستگی‌های قومی و نژادی میان اقوام ساکن در این مناطق بیابیم. این نوع مطالعه آثار همچنین تبیین‌کننده برخی تأثیرات و تأثرات میان این اقوام و اقوام مجاور و همسایگان باستانی ایران در اواخر هزاره‌ی دوم ق.م و اواخر هزاره‌ی اول ق.م خواهد بود. آنچه از نتایج مطالعات باستان‌شناسان بر می‌آید، همواره تأییدی است بر وجود ریشه‌های واحد قومی میان اقوام ساکن در منطقه‌ی جنوب دریای خزر و دریاچه‌ی ارومیه.

چنان که می‌دانیم در تاریخ بشر اولین امپراتوری‌ها در آغاز هزاره نخست [پیش از میلاد] یعنی زمانی که تمدن دوره آهن گیلان سر بر آورد، تشکیل شدند. سه کشور در خاور نزدیک، یعنی امپراتوری اورارتو، ایلام و آشور در هزاره اول پیش از میلاد، نخستین کشورهای بودند که دعوی «امپراتوری جهانی» داشتند. اورارتو تا حدی موفق شد تمام فلات ارمنستان (اناتولی شرقی) و بخشی از ماورای قفقاز را متحد سازد. آگاهی ما از ایلام بسیار اندک است. اما در مورد آشور که در اوج خود در واقع نخستین «امپراتوری جهانی» بود که اکثر دنیای متمدن عصر را در بر می‌گرفت، اطلاعات زیادی داریم (ام دیاکونف، ۱۹۹۱، ۸۰-۸۱).

مطالعه و بررسی روی آثار مکشوفه در حفاری مارلیک یادآور این مطلب است که اقوام مارلیک در دورانی در حدود نیمه دوم هزاره دوم ق.م در ارتفاعات رشته جبال البرز مستقر شده‌اند و برای مدتی حدود چند قرن در فاصله قرون چهاردهم تا دهم ق.م به پیشرفت و شکوفایی هنر و صنایع خود در این منطقه پرداخته‌اند. این حکومت و پادشاهی مقتدر بر تمام دامنه‌های شمالی جبال البرز، تمام منطقه جنوبی بحر خزر، نواحی ای مانند تالش روسیه و ایران، قسمت شرقی آذربایجان و گیلان و مازندران تسلط داشته است. اقوام مارلیک در این سرزمین وسیع، مرکز صنایع فلزی و به خصوص مفرغی بزرگی را به‌وجود آورده‌اند که تولیدات آن از طریق تجارت یا از طریق دیگری به نواحی دور دست در مغرب تا حدود کرانه‌های شرقی دریای مدیترانه و در مشرق تا دره رود سند منتقل شده است (ملک‌زاده، ۱۳۷۶، ۱۷۲). ملک‌زاده از دوره ماد انبرانی (غیر ایرانی) زبان به‌عنوان عصر آمیزش عناصر فرهنگی چهار گوشه فلات ایران و پدید آمدن نخستین

## ۱- روش پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام یافته و اطلاعات مورد نیاز آن به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. از میان آثار کشف شده از حفاری‌های حسنلو تنها ۲ عدد جام به‌دست آمده است، مابقی زبورآلات و یا قسمت‌هایی از ظروف شکسته می‌باشند؛ ولی در حفاری‌های مارلیک، جام‌ها، ظروف و اشیاء ساخته شده از فلز، با اندازه‌ها و اشکال مختلف از قبیل: فنجان، کاسه، ظروف لوله بلند، جام‌های تزئینی، لیوان، مهرها و مجسمه‌های زیادی از فلزات معمولی و قیمتی، به‌دست آمده است که محققان به دلیل محدودیت آثار حسنلو، صرفاً به بررسی جام‌ها اکتفا کرده و با ارائه تصاویری از زوایای مختلف که با کیفیت قابل قبول از منابع مورد مطالعه در دسترس بود نمونه‌های مورد نظر را مطالعه و وجوه اشتراک آن‌ها مورد تبیین قرار داده‌اند. انواع نقوش تقسیم‌بندی و تحلیل بصری شده و داده‌ها در قالب جداولی جهت بهره‌گیری در نتیجه‌گیری نهایی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند.

## ۲- پیشینه پژوهش

در مورد باستان‌شناسی مناطق تاریخی ایران، معرفی آثار و قدمت سنجی آنها پژوهش‌های متعددی انجام شده است. مهرداد ملک‌زاده (۱۳۷۶) در مقاله خود «جایگاه مادها در تاریخ ایران» پس از پرداختن به اقوام باستانی ساکن در ایران پیش از آریایی‌ها به جایگاه قوم مارلیک

اشاراتی نموده است. نگهبان (۱۳۷۸) در کتاب *باستان‌شناسی و تاریخ ایران* به ریشه‌یابی و تأثیرات و تأثرات فرهنگ‌های باستانی ایران و همسایگان پرداخته است؛ که در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است. پرادا (۱۳۸۳) در کتاب *هنر ایران باستان* به معرفی آثار مکشوفه از تپه‌های باستانی ایران پرداخته است. آثار مکشوفه از تپه‌های مارلیک و حسنلو چون سایر مناطق باستانی در این کتاب معرفی شده‌اند. وحدتی (۱۳۸۴) در مقاله خود با نام «رزیابی تاریخ‌های پیشنهاد شده برای گورستان مارلیک»، پس از مرور تمامی تاریخ‌های پیشنهاد شده برای گورستان مارلیک بر آن بوده است به کمک گونه‌شناسی شاخص‌ترین اشیاء مجموعه و بدون تأکید بر گروهی خاص از داده‌ها (مهرها) این مجموعه را در چارچوب گاه‌نگاری معینی قرار دهد. ابراهیمی لویه (۱۳۸۴) در کتاب خود تحت عنوان *تپه‌ی مارلیک* به باستان‌شناسی این تپه آثار مکشوفه و معرفی آن‌ها پرداخته است. مطالعات حوزه جنوب روسیه نیز در کتاب *باستان‌شناسی و تاریخ هنر در دوران مادی‌ها و پارسی‌ها*، نوشته کالیگان (۱۳۸۴) آمده است. کالیگان در این کتاب به مهاجرت اقوام پیش از آریایی‌ها از حوزه قفقاز چون هیت‌ها، میتانی‌ها و کاسی‌ها اشاره نموده و ریشه‌های شکل‌گیری آثار لرستان را که در این پژوهش مد نظر قرار گرفته است، تبیین نموده است. کالیگان در این کتاب به ماننایی‌ها، دژ حسنلو و آثار مکشوفه از آن پرداخته است و به تأثیرات هنر فولکلریک مناطق باستانی روسیه در آنها پرداخته است. ماسکارلا (۱۳۸۶) در مقاله «نبرد حسنلو در اواخر قرن نهم

حفاری‌هایی انجام داده‌اند و سرانجام در سال ۱۳۳۷ خورشیدی دکتر رابرت دایسون آمریکایی موفق شد جام طلای حسنلو را در کاوش‌های این تپه پیدا کند و این کشف نه تنها این اثر هنری را به دنیا معرفی کرد بلکه سبب شهرت این تپه و حفار آن شد (حاتم، ۱۳۸۵، ۹۶).

### ۳-۲. تمدن مارلیک

مارلیک نام تپه‌ای باستانی واقع در دره گوهررود شهرستان رودبار، از توابع استان گیلان است. مردم مارلیک از گروه اقوام مهاجر آریایی یعنی هند و ایرانیان هستند که در حدود اواخر هزاره دوم پیش از میلاد تا اوایل هزاره‌ی اول ق.م. در منطقه حکومت داشتند (نگهبان، ۱۳۷۸، ۱۷) در رابطه با اسم مارلیک چندین نظر وجود دارد. عده‌ای این نام‌گذاری را به دلیل وفور مار در این منطقه می‌دانند و آن را به افسانه‌ی گنج و مار ارتباط می‌دهند چرا که گنج و مار در افسانه‌ها همنشین هم هستند و در باورهای محلی بسیاری از گنج‌های زیرزمینی طلسمی دارند که معمولاً در قالب مار تجسم می‌یابد (تسلیمی، ۱۳۸۱، ۱۲۴) اما بعضی دیگر این واژه‌ها را به قوم باستانی ماردها و امردها ارتباط می‌دهند که از دو جزء مار و لیک ترکیب شده و معنی قوم مار را دارد. اینان استدلال می‌کنند این کلمه در اصل به معنای مار‌دلیک بوده و با حذف دال مارلیک شده است. مار د اشاره به آماردها است لیک هم که همان لک باشد به معنای قوم و طایفه و عشیره است (همان، ۵۲).

حفاری مارلیک در سال ۱۳۴۰ با همکاری مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران و اداره کل باستان‌شناسی کشور زیر نظر دکتر عزت‌الله نگهبان انجام گرفت که در باره آثار سوابق و سنن هنری که «مارلیک چنین گفته است بر اثر این روابط بدین ناحیه وارد شده است در اینجا به مرحله بلوغ رسیده است و حد نصاب و تکامل و پیشرفت در ساخته‌های هنری این قوم به خوبی دیده می‌شود. تسلط هنرمندان و مهارت آنها به حدی است که هنر از جنبه‌ی هنر برای هنر خارج شده و هنرمند جنبه خودنمایی را در ساختن این آثار نفیس ابراز نموده است (اصلاح عربانی، ۱۳۷۴، ۵۳۲) طبق نظر برخی دانشمندان باستان‌شناسی ظروف بسیار تزئینی و از فلزات گران‌بهای به‌دست آمده از مارلیک در خارج از این منطقه ساخته شده و از محل دیگری بدین ناحیه وارد شده است. دلیل این اظهار نظر تشابه ظروف و نقوش با اشیای دیگر تمدن‌های باستان بوده است. البته دلایل و نکاتی نیز وجود دارد که گویای سبک هنری واحد و یکپارچه‌ای می‌باشد. برخی دانشمندان موافق با نظریه اخیر چون پرفسور ویلکینسون معتقدند که آثار به‌دست‌آمده از مارلیک را نمی‌توان به دو دسته مشخص بومی و وارداتی تقسیم کرد بلکه در منطقه مارلیک بیش از یک سبک هنری توسط هنرمندان به کار گرفته شده است. یکی از سبک‌ها ظاهراً سبک بومی ساکنان این منطقه است. در سبک دیگر هنرمند با توجه و الهام از سبک‌های هنری و صحنه‌ها و موضوع‌های مکاتب گذشته موجود در بین‌النهرین و سایر قسمت‌های ایران به تولید و ساخت مبادرت ورزیده است (نگهبان، ۱۳۶۸، ۴۶).

### ۳-۳. اصل و سرچشمه ظروف فلزی مارلیک و حسنلو

می‌توان حدس زد جام طلای حسنلو ساخت هنرمندان ایرانی است. زیرا لبه نوآردار و اطراف آن طبقه بر طبقه بسیار دقیق از نقش حیوانات و تزئینات دیگر پوشیده شده به سبک ایرانی است. گذشته از مشخصات کلی،

ق.م. به اقوام ماننایی؛ اورارتوها، ساختار حسنلو و جایگاه آن به‌عنوان محل کشف جام طلای معروف پرداخته است. وینتر (۱۳۸۷) نیز در مقاله «جام زرین حسنلو» و روبینسون (۱۳۸۷) در مقاله «جام زرین حسنلو از منظر قفقاز» به ارتباطات و تأثیرات حوزه‌ی قفقاز و آثار مکشوفه از تریالتی بیشتر پرداخته‌اند. در این دو مقاله همچنین به موقعیت حسنلو به‌عنوان پایتخت ماننایی‌ها و نیز دژ حسنلو و سپس جام زرین آن پرداخته شده است. نجفی قره‌داغی و حاتم (۱۳۸۹) در پژوهشی با نام «تفسیر نمادهای به‌کاررفته در نقوش تختانی جام طلایی حسنلو و پیشینه آن»؛ ضمن تشریح چگونگی ارتباط نقوش تختانی جام حسنلو و پیشینه آن در فرهنگ‌های باستانی اقوام مختلف، بر آن بوده است که نمادهای به‌کاررفته در نقوش تختانی جام حسنلو را تفسیر کنند. نجفی قره‌داغی (۱۳۸۹) در مقاله‌ی دیگری تحت عنوان «جستاری در نقوش هنری جام طلایی حسنلو و پیشینه نقوش آن» تلاش نموده است تا خوانندگان را با نگاهی گذرا بر انواع شمایل‌های خدایان، قهرمانان و هیولاها و انسان‌هایی که روی جام زرین حسنلو آشنا سازد. معقولی و کشتکار (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان «خوانش نشانه‌شناسانه نقوش جام‌های مارلیک» به روش توصیفی-تحلیلی این جام‌ها را معرفی و نقوش روی آنها را شناسایی و رمزگشایی نموده‌اند.

اگر چه این آثار ارزشمند بسیار مورد استفاده این مقاله قرار گرفته‌اند، ولی بیشتر جنبه‌ی تاریخی از نوع معرفی نمونه‌های مکشوفه داشته و گاه اشاره‌ای گذرا به ارتباطات قومی شده است و روش تطبیقی خاصی که در این مقاله در پیش گرفته شده است و زوایایی که از آنها ظروف مورد مطالعه قرار گرفته‌اند منحصر به فرد بوده و پیش از این بدان‌ها پرداخته نشده است.

### ۳-۲. مبانی نظری پژوهش

#### ۳-۱. تپه حسنلو

تپه باستانی حسنلو در دوازده کیلومتری جنوب غربی دریاچه ارومیه و ۹ کیلومتری شمال شرقی نرده قرار دارد و به مناسبت نام دهکده مجاورش، حسنلو نام گرفته است (فائقی، ۱۳۷۵، ۹۸). ارتفاع این تپه در حدود ۲۰ متر از بستر رودخانه‌گذار که در پای آن جاری است و قطر آن در حدود ۲۵۰ تا ۲۸۰ متر است. چند تپه باستانی دیگر هم که ارتفاع آنها از ۱۵ متر تجاوز نمی‌کند، در اطراف این تپه که بزرگتر از آن می‌باشد، پراکنده‌اند. حدس زده‌اند که تپه بزرگ، مرکز و محل دژ شهری که نامش دانسته نیست، بوده و بر تپه‌های اطراف مردم سکونت داشته‌اند که به هنگام جنگ و حمله دشمن به داخل دژ که احتمالاً مراکز مذهبی شهر را در بر می‌گرفته و جای سکونت ارباب یا رئیس محلی و نیز روحانیون مذهبی بوده، پناه می‌برده‌اند. بعضی از دانشمندان و از آن جمله دایسون و گذار و گیرشمن، این نقطه را یکی از دره‌های مقدم ماننایی و یکی از مراکز مهم تاریخی آذربایجان باستانی دانسته‌اند (رئیس‌نیا، ۱۳۷۹، ۲۲۱) تأثیر و راهیابی میراث‌های سبکی مربوط به هزاره دوم و اول قبل از میلاد در هنر حسنلو دیده می‌شود. سبک هنری حسنلو در واقع در چهارچوب سنت‌های هنری این دو هزاره می‌گنجد رابطه مسلمی با سبک‌های هنری غرب ایران دارد همچنین وابستگی مشخص و قابل ملاحظه‌ای با آشور نو می‌یابد. از جمله پر اهمیت‌ترین آثار مکشوفه از این منطقه جام زرین حسنلو است که گفته می‌شود نقوش روی آن روایتگر داستان اسطوره‌ای کهن می‌باشند. در این تپه از سال ۱۳۱۳ خورشیدی به بعد باستان‌شناسان ایرانی و خارجی

ویژگی‌هایی است که به‌طور مشخص ایرانی هستند؛ از جمله طرزی که کماندار کمان بر روی پای خود نهاده حرکتی است که بعدها در هنر مادها و هخامنشیان یافت می‌شود. همچنین عقاب یا بازی که الهه‌ای را حمل می‌کند، مانند پرندۀ عیلام در شوش، از پائین دیده می‌شود (ویلیکینسون، ۱۳۸۸، ۱۳۸). از طرفی مضمون نقوش این جام برگرفته از یک حماسه هوری است و همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم، هوربان ساکن منطقه جنوب دریاچه ارومیه در هزاره دوم ق.م بودند. شواهدی نیز وجود دارد که تأیید می‌کند که آثار طلائی یافت‌شده از مارلیک مربوط به همان محل بوده و از جای دیگری به آنجا منتقل نشده‌اند. اول اینکه تعداد زیادی از این ظروف تزئینی در حفاری مارلیک و حوزه تمدنی آن به‌دست آمده است که این وضعیت در مناطق دیگر دنیای باستان دیده نشده است. کیفیت هنری والا و ارزنده‌ای که طبیعت فرهنگ و هنر یکنواختی که جاندارای، تحرک، تناسب و زیبایی از مشخصه‌های آن است، در سایر آثار مارلیک مانند آثار مفرغی نیز دیده می‌شود که نشان‌دهنده یک مکتب هنری واحد است (نگهبان، ۱۳۷۸، ۳۰۴).

### ۳-۴. ارتباطات اقوام منطقه

ویلیام کالیکان دلیل تشابه و یک‌رنگی آثار فلزی مکشوفه از مارلیک و حسنلو را مرتبط‌بودن به تاریخ و سرگذشت واحد اقوام آفریننده آن آثار دانسته است. به اعتقاد او ورود اقوام مانایی، مادی و سکایی در ادوار قدیم تاریخ، مسیر فرهنگ و هنر نواحی مسکون و تمدن‌های توسعه‌یافته قسمت علیای بین‌النهرین و شمال سوریه و جنوب شرقی آناتولی را تغییر داده است. او معتقد است، حفاریات اخیر باستان‌شناسی در جنوب غربی بحر خزر و جنوب دریاچه ارومیه راز به‌هم‌آمیختن هنرهای اقوام شهرنشین و اقوام بادیه‌نشین را آشکار و اثر آنرا در هنر ایران نشان می‌دهد همچنین در مورد فرهنگ لرستان و نطفه هنر هخامنشی میدان دید تازه‌ای را در برابر ما می‌گشاید.

### ۳-۴-۱. ارتباطات از منظر نواحی شمالی و غرب دریای خزر

«حفاریات املش، دیلمان، تپه مارلیک و حسنلو اشیاء جدیدی از هنرهای اولیه ایران را نمایان نموده که هنوز هم شناسایی کامل آنها مسلم نگشته است. یک‌رنگی عمده‌ای که در این اشیاء دیده می‌شود همان استفاده از اشکال حیوانات به‌عنوان اصل در میان عوامل تزئینی است. این نوع ساخته‌ها معرف آثار حیوانی شکل است که از استپ‌های اروپا و آسیای آمده و در نتیجه تماس با هنر نواحی بین‌النهرین و هیت و اورارتایی تا حدی ساده شده است، این تماس در نتیجه سلطنت اقوام نواحی «وان» بوده که به اورارتی‌ها بستگی داشته و نزدیک‌ترین همسایه غربی سرزمین‌هایی بوده که مهاجران مورد بحث ما در نواحی بحر خزر و آذربایجان برای سکونت خود انتخاب کرده‌اند. در قرن هشتم ق.م، اورارتو تمام نواحی غربی آناتولی و شمال سوریه را از نظر سیاسی و تا اندازه‌ای فرهنگی متحد نمود و سلطنت‌های مستقل و پر قدرت سوریه و هیتی که در جنوب ترکیه مستقر بودند و همچنین سلطنت «آرامی» نواحی آلپورا نیز بر آن افزود» (کالیکان، ۱۳۸۴، ۲۵).

کالیکان از تپه مارلیک به‌عنوان یکی از این نواحی که مهاجران در آن مستقر شدند، نام می‌برد و در مورد اشیای مکشوفه از این محل می‌نویسد: قدرت خلافت این قوم در سبک آزاد آنها به بهترین وجهی در ظروف قرمز جگری‌رنگ صیقلی‌شده که روی آن شکل گاو میش‌های اهلی یا گوزن

خلعتبری یکی از باستان‌شناسان ایرانی که سال‌ها در محوطه باستانی شمال ایران (وسکه، میانرود، اسب سرا، مریان، تندوین، توف کوروز و بسیاری محوطه‌های دیگر) حفاری کرده، هنر زرگری مارلیک و محوطه تول تالش را مشابه و هم‌زمان دانسته و براساس وجود یک دست‌بند کتیبه‌دار مفرغی به نام شته اورارتویی، آرگیشتی، در گور شماره ۱ در تول هردو محوطه مارلیک و تول را به سده‌های ۷-۸ پ.م تاریخ‌گذاری کرده است. در واقع از مجموعه آثار زرین و سیمین و مفرغی که از گورهای مارلیک کشف شده است همین یک عدد النگوی مفرغی است که از دیگر آثار ارزشمندتر به نظر می‌رسد. این النگو شامل نواری پهن و باریک است که دو سر انتهایی آن از بخش میانی پهن‌تر است که دارای کتیبه‌ای مزین به خط میخی اورارتویی است.

وی می‌گوید: «...تصور می‌کنیم که هنر مارلیک نیز در سده‌های آغازین هزاره اول پیش از میلاد به دلایلی که علت آن چندان بر ما روشن نیست متأثر از هنر اورارتو است و حضور کتیبه‌های اورارتویی در مارلیک و املش نیز می‌تواند دلیلی روشن بر این تأثیرپذیری هنری و داد و ستد فرهنگی و اقتصادی در آن زمان باشد. لذا می‌توانیم این‌گونه بیان‌دیشیم که امارت نشین تول هم‌زمان با مارلیک یعنی حدود قرن هفتم و هشتم پیش از میلاد که قدرت نظامی دولت اورارتو بخش وسیعی از شمال غرب ایران را تحت سیطره نظامی و فرهنگی خود درآورده بود، ناگزیر تأثیر و نفوذ فرهنگ غالب را پذیرفته و محتملاً تحت حمایت آن‌ها قرار داشته است (خلعتبری، ۱۳۸۷، ۸).

یکی از جالب‌ترین نظرات درباره گاهنگاری مجموعه مارلیک را «اکرم آکورگال» در مراکز هنری اورارتویی و ایران باستان ارائه کرده که به کلی با عقاید باستان‌شناسان دیگر فرق دارد. آکورگال در بخشی از کتاب که آن را به تحلیل «یافته‌های مارلیک» اختصاص داده تیزبینانه به مقایسه‌ریزترین عناصر شمایل‌نگارانه به‌کار رفته در هنر مارلیک با عناصر نقشی و شمایل‌نگاشتی موجود در مجموعه کلاردشت، حسنلو، زیویه، حسنلو و مفرغ‌های لرستان در ایران و از سوی دیگر در هنر پادشاهی اورارتو پرداخته است. به‌عنوان مثال وی نیز شیوه نمایش گاو بالدار جام طلا مارلیک را با نقش روی جام طلای حسنلو (عصر آهن ۲) نقش هیولای بالدار دوسر بر روی

ادیت پرادا در اولین مقاله خود درباره جام حسنلو، از تشابهات این جام با ساغری نقره ای مکشوفه از «تریالتی» می‌نویسد: هرچند برخی جزئیات مربوط به البسه و اثاثیه‌ها از قبیل منگوله‌های دم مانند لباس‌ها و شباهت پایه‌های اریکه به پاهای گاو در ظروف مکشوفه از تریالتی گویای وجود برخی روابط با سنن موجود روی جام زرین حسنلوست و حتی تصاویر مردان بدون چانه با ریش کوتاه از گونه‌نژادی مردمانی هستند که روی جام حسنلو بازنمایی شده‌اند، سبک ساغر مکشوفه از قفقاز صورت‌گرایانه‌تر، ناشیانه‌تر و ناپخته‌تر است. به اعتقاد او شاید هنرمندی که ساغر تریالتی را ساخته است، از جام حسنلو تأثیر گرفته باشد. در حالی که اکنون می‌دانیم ساغر تریالتی قدمتی بیشتر از جام حسنلو دارد. چرا که این ساغر از قبری متعلق به قرون اولیه هزاره دوم ق.م یافت شده است. پس از کشف این دو ظرف، ظرف دیگری از فرهنگ تریالتی به‌دست آمده است که از «گراندر نورث گوکان» در کارشامب، واقع در جمهوری ارمنستان یافت شده است. همانند دو ظرف قبلی در جام «کارشامب» نیز لباس‌هایی با شراپه‌های شبیه به دم حیوانات، میزهایی با پایه به‌شکل پای حیوانات و نیز شمایل‌هایی با همان شمایل فاقد ریش کشیده شده‌اند. به علاوه در ردیف سوم این ظرف، تصویر چند خنجر یا شمشیر معلق را می‌بینیم که نمونه‌ای آن روی جام حسنلو نیز دیده می‌شود (روبینسون، ۱۳۸۷، ۱۰۹-۱۱۰) (جدول ۱-۳، تصاویر ۱ و ۲).

#### ۳-۴-۴. ارتباط از منظر مارلیک

در سال‌های اخیر چه قبل از حفاری مارلیک و کشف آرامگاه‌های سلاطین در این تپه و چه بعد از آن اطلاعات روزافزونی درباره وجود این مکتب هنری پیشرفته که به خصوص در زمینه تولید اشیاء فلزی و جام‌های تزئینی بسیار شکوفا شده و به سرحد اعلائی کیفیت تکنیکی رسیده و شاهکارهای هنری نسبتاً زیاد و جالبی را تولید نموده است در ارتفاعات گیلان و مازندران در اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول ق.م مسیح آشکار شده است. کیفیت و کمیت آثار فلزی و شاهکاری هنری که در حفاری مارلیک به‌دست آمده ما را بدین نتیجه می‌رساند که احتمالاً «مرکز این مکتب هنری در نواحی اطراف تپه مارلیک بوده و دامنه آن در تمام ارتفاعات البرز گسترش داشته است» (نگهبان، ۱۳۷۸، ۳۰۵) (جدول ۱-۳، تصاویر ۳ و ۴).

#### ۳-۴-۵. ارتباط از منظر لرستان

مطالعه آثار نه تنها ارتباط با نواحی فوق‌الذکر را مشخص می‌کند بلکه می‌توان با تشابهاتی که آثار یاد شده با آثار «لرستان» دارند به نتیجه قابل توجهی دست یافت. سبک تزئینی چکش کاری که در جام‌های لرستان دیده شده را مشابه جام‌های طلا که از تپه مارلیک به‌دست آمده می‌باشد. برای مثال، موجودی که ترکیبی از شیر و عقاب است و بچه آهوی ناتوانی را در چنگال بی رحم خود گرفته است، نقش زمینه‌ی جامی فلزی است که در موزه لوور قرار دارد و شباهت قابل توجهی به‌شکل هیولایی دارد که در روی یک ترکش (جای تبر کمان) مکشوفه از لرستان به‌دست آمده است. کالیگن مواردی را متذکر می‌شود که به شیوه مشابه مارلیک و لرستان در اجرای نقوش حیوانی در قرن دوازدهم ق.م در گرجستان و قبور کوبان یافت شده‌اند، (جدول ۱-۳، تصاویر ۳ و ۴).

به اعتقاد پرادا نقوش جام حسنلو به‌ویژه جزئیات لباس‌های خدایان و

سرخ‌رنگ نقش شده دیده می‌شود. به اعتقاد کالیگان این حیوانات دارای یک وجه مشترک با حیوانات «بالکان» و آثار هنری اقوام روسی بوده و در واقع هنری فولکلریک هستند. بعضی از این ظروف مانند اسب هستند که نمونه‌ای از آنها در ماکو (سرحد ایران و ترکیه) پیدا شده است. گوزن‌های بزرگ و گله‌های کوهان‌دار نیز با نمونه‌های کوچک از مفرغ ریخته نمایش داده شده‌اند. تعداد بسیاری از این اشیاء که در املش و مارلیک و خورویین به‌دست آمده عبارتند از آویزهای تزئینی از مفرغ و حیوانات کوچک و زنگوله‌هایی به‌شکل انار که به نظر می‌رسد مربوط به سنت‌های فنی فلزکاران دوره اول کیمیری باشد که در آثار سیلک و لرستان مشاهده شده است (پرادا، ۱۳۸۳، ۱۳۹).

این ظروف برنزی، شکل حیوانات اشیائی را که در مازندران به‌دست آمده با اشیائی که از قبور نواحی شمالی و نزدیک طالش و لنکران کشف شده است مربوط می‌نماید و این زمان انتهای عصر مفرغ و شروع عصر آهن در هزاره دوم ق.م بوده است، ظروف به‌شکل حیوان یا منقوش به‌شکل حیوانات گرچه به خوبی و زیبایی آنهایی که در مازندران به‌دست آمده نیست و بیشتر شکل آهو دارد که در قبرستان «آق اولار» در طالش و «رازگر» در لنکران روسیه و «تالو» در روسیه و «سمتاورو» در جبال قفقاز به‌دست آمده است. در قبرستان‌های دیگر جبال قفقاز این زنگوله‌ها و اشیاء تزئینی مفرغی دیده شده‌اند. شمشیرهایی که در کلاردشت و تپه مارلیک کشف شده‌اند از همان نوع طالش هستند (دارای هلالی در وسط تیغه است که تا سر تیغه ادامه دارد). این شمشیرها بر روی جام حسنلو نقش شده‌اند که دارای همان ویژگی بصری هستند. حتی گوشواره‌هایی که با تصویر خوشه‌های انگور و انار از طلا ساخته شده و مدال‌های مدور طلا با ترسیمات صلیب مانند و یا ستاره‌ای شکل که در مارلیک و املش پیدا شده است همانند اشیائی است که در «ردکین لاگر» و «لچاسن» و «وری» در طالش روسیه به‌دست آمده است. شک نیست که سنت هنری مازندران در اصل ادامه سنتی از عصر مفرغ است که از نواحی قفقاز و استپ‌های ماوراء قفقاز در نواحی شرقی آذربایجان شوروی به مناطق جنوبی آمده است.

#### ۳-۴-۲. ارتباط از منظر نواحی اطراف دریاچه ارومیه

از طرفی یکی از مظاهر ارتباط و همبستگی ریشه‌دار فرهنگ جنوب دریای خزر و ارومیه، آثار مکشوفه از ویرانه‌های دژ حسنلو در لایه چهارم این تپه باستانی است که از آن میان می‌توان از دو اثر فلزی قابل توجه جام نقره‌ای و طلای حسنلو یاد کرد. عناصری چون ترکیب و لباس آدم‌ها را عناصر مشترک که در آثار مکشوفه از لرستان و مارلیک نیز دیده شده‌اند، می‌توان تلقی کرد. نقش شمشیرها نیز از نوع شمشیرهای طالش است که پیش از این به آنها اشاره شد و تأییدی بر ارتباطات حوزه‌های مد نظر می‌باشد. شناسایی عناصر موجود در این جام‌ها به خاطر پرده برداشتن از راز تشابه آنها با کشفیات املش و مارلیک دارای اهمیت خاصی می‌باشند. تصاویر حیوانات، صحنه‌هایی از جنگ پیاده نظام با اراپه‌ها که حاکی از زمان اغتشاشات و جنگ می‌باشند، (که منجر به انهدام حسنلو شد) شکل و اندام سربازان، طرز آرایش موها و سربندها نیز چیزهایی هستند که مشترک بین ظروف مارلیک و جام نقره ای حسنلو می‌باشند (کالیگان، ۱۳۸۴: ۳۲) (جدول ۲-۴، تصاویر ۱۱-۹).

#### ۳-۴-۳. ارتباط از منظر قفقاز


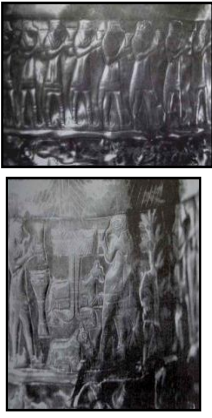


تاریخی از این منظر اهمیت بسزایی در بیان و آشکارسازی ویژگی‌های بصری آن آثار خواهد داشت. در بررسی فرمی جام‌ها کشف شده از دو منطقه مارلیک و حسنلو آنچه آشکار است شکل کلی یک پارچه و منسجم ظروف که غالباً همگی به شکل جام هستند و هیچ زائده دسته‌مانند یا دهانه لوله‌ای در آنها وجود ندارد. خط زمینه تفکیک‌کننده سطوح بدنه ظروف که در جهت افقی کشیده شده است و این امکان را به طراح داده است تا وقایع یا نقوش مختلف را در کنار هم مرتب کند و از سطوح بالا و پائین جدا نماید. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بدنه ظروف تا حدودی دارای شکل نیمه‌مخروطی است دهانه کمی بزرگ‌تر از انتهای ظرف ساخته شده است. ارتفاع و اندازه ظروف با یکدیگر متفاوت هستند. و در بعضی جام‌ها حرکت و چرخش در قسمت بالای ظرف و در بعضی دیگر حرکت از پایین به بالا صورت گرفته است. ساختار بصری جام نقره‌ای حسنلو ارتباط و هماهنگی عجیبی با جام‌های مکشوفه از مارلیک دارد. شکل این ساغر یادآور بدنه مقعر جام‌های مارلیک، ظرف‌های به دست آمده از لرستان و حفریات گرجستان دارد. چهار نوار برجسته سطح ساغر را به پنج زمینه استوانه‌ای تقسیم می‌کند. از میان آنها ردیف‌های بالایی و پایینی باریک‌ترین بوده و تزئینی مرکب از نخل خرما دارند، (جدول ۳-۲).

کاهنان بنیاد سبکی ایرانی را که با مفرغ‌های لرستان پایه‌ریزی شده بود، تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. چرا که به لحاظ تقدم تاریخی جام حسنلو مربوط به پیش از ۱۰۰۰ ق.م بوده و مسلماً از مفرغ‌های لرستان قدمت بیشتری دارند. همچنین طراحی مفصل‌بندی بدن جانوران با خطوطی که یراق اسب را به خاطر می‌آورد به‌طور مستقیم سبک تزئینی و مجرد مارلیک را پی می‌گیرد. سبکی که به وسیله جام موزه لوور و یک ساغر از مارلیک تمثیل شده‌اند. اقوامی که هنر فلزکاری پیشرفته داشته‌اند، غالباً ظروف سفالی خاکستری و سیاه و صیقلی شده‌ای نیز داشته‌اند که از روی همین ظروف فلزی ساخته می‌شده‌اند. این آثار از تپه گیان، سیلک، لرستان اطراف دریای خزر خوروبین و حسنلو یافت شده‌اند. صنعت و هنر بومی این مردم با گذشت زمان بیشتر تحت نفوذ آشوری‌ها قرار گرفته‌اند. مطمئناً این مردمان در قرن هشتم ق.م شکل و نطفه اصلی تمدن مادها را تشکیل داده‌اند (کالیگان، ۱۳۸۴، ۳۰).

#### ۴- بحث اصلی

۴-۱. تحلیل فرم: فرم یکی از مفاهیم اساسی و کلیدی است که جایگاه ویژه‌ای در مطالعات هنری دارد. از این رو بررسی آثار هنری و

جدول ۳-۱. تصاویر ظروف از جهت ارتباطات اقوام منطقه.

<p>شبهات البسه و اثاثیه‌ها از قبیل منگوله‌های دم مانند لباسها، پایه‌های گاو مانند آریکه در ظروف مکشوفه از تریالتی، تصاویر مردان بدون چانه با ریش کوتاه در هر دو ظرف</p>		<p>منبع (پیرادا، ۱۳۸۷، ۱۵)</p>	<p>تصویر ۲ جام طلای حسنلو</p>		<p>منبع (روینسون، ۱۳۸۷، ۱۱۰)</p>	<p>تصویر ۱ ظرف نقره‌ای مکشوفه از تریالتی</p>
<p>نقش زمینه‌ی جامی فلزی مارلیک شبهات قابل توجهی به شکل هیولایی دارد که در روی یک ترکش (جای تیر کمان) مکشوفه از لرستان است.</p>		<p>منبع (کالیگان، ۱۳۸۴، ۳۳)</p>	<p>تصویر شماره ۴ جام هیولایی دوسر و غزال مارلیک</p>		<p>منبع (کالیگان، ۱۳۸۴، ۳۳)</p>	<p>تصویر ۳ جلد چرمی با نقش‌های برجسته، جای تیر کمان لرستان</p>

بررسی به سه دسته نقوش گیاهی، حیوانی و انسانی تقسیم بندی نمود. **نقوش گیاهی:** یکی از نقوشی که در صحنه نقوش نمایش داده شده روی جام‌های مارلیک عموماً دیده می‌شود نقش درخت شبیه نخل خرما است که توسط دانشمندان و باستان‌شناسان به‌طور مکرر با عنوان درخت زندگی نامبرده شده است و از برگ‌های همین درخت است که عموماً حلقه تزئینی دورا دور ترنج‌های هندسی بسیار زیبا را تشکیل می‌دهد. نقش درخت در انواع مختلف روی جام‌های مارلیک به‌صورت‌های مختلف نمایش داده شده است (جدول ۴-۲، تصویر ۲). این درختان شامل انواع بسیار ساده و معمولی و نوع تزئینی تر آنهاست که به‌صورت گلدان‌های تزئینی برای پر کردن صحنه به‌کار رفته‌اند. این درخت زندگی در نوع بسیار تزئینی خود، عموماً با گروه حیوانات متقارن نمایش داده شده که این






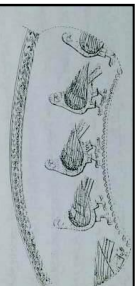

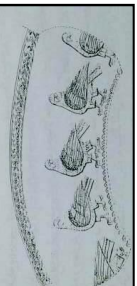

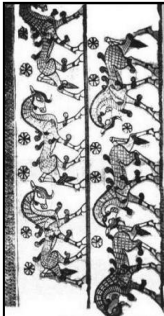














۴-۲. تزئینات بدنه

تزئینات بدنه را می‌توان در دو گروه مورد بررسی قرار داد: شمالی و انتزاعی. تزئینات ظروف مورد بررسی در این مقاله در سه گروه شمالی شامل نقوش گیاهی، جانوری و انسانی و انتزاعی متشکل از نقوش هندسی و غیرهندسی تقسیم‌بندی شده است. در این پژوهش، ۱۲ عدد از جام‌ها و ظروف متعلق به تپه حسنلو و منطقه تاریخی مارلیک با مشخصات و جزئیات تزئینی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

۴-۱-۲. تزئینات شمالی

مطالعه نقوش حالت طبیعت‌گرایانه آنان را بی‌هیچ تردیدی در ذهن متبادر می‌نماید و بر این اساس تزئینات ظروف را می‌توان در راستای

جدول ۳-۲. نمونه‌هایی از فرم ظروف و ترسیم خطی آن‌ها.

مکان	نام جام	شماره تصویر	منبع	تصویر فرم ظرف	ارتفاع	قطر دهانه	ترسیم خطی طرح کلی
حسنلو	جام زرین طلا	۱	(پرادا، ۱۳۸۷، ۱۵)		۲۰ cm	۷۸ cm	
		۲	(پرادا، ۱۳۸۷، ۲۶)		۲۰ cm	۱۰ cm	
		۳	(پرادا، ۱۳۸۷، ۱۵)		۲۰ cm	۷۸ cm	
مارلیک	کاسه زرین با نقش عقاب	۳	(نگهبان، ۱۳۷۸، ۱۷۳)		۹ cm	۷ / ۴ cm	
		۴	(ابراهیمی، ۱۳۸۴، ۲۵)		۱۷ / ۵ cm	۱۲ cm	
		۵	(نگهبان، ۱۳۷۸، ۱۷۳)		۲۰ cm	۱۴ / ۵ cm	
مارلیک	جام زرین با نقش شیر دال و گاو بالدار	۵	(نگهبان، ۱۳۷۸، ۱۷۳)		۲۰ cm	۱۴ / ۵ cm	
		۶	(نگهبان، ۱۳۷۸، ۱۷۳)		۲۰ cm	۱۴ cm	
		۶	(نگهبان، ۱۳۷۸، ۱۷۳)		۲۰ cm	۱۴ / ۵ cm	
مارلیک	جام زرین افسانه	۶	(نگهبان، ۱۳۷۸، ۱۷۳)		۲۰ cm	۱۴ / ۵ cm	
		۷	(نگهبان، ۱۳۷۸، ۱۷۳)		۲۰ cm	۱۴ cm	
		۷	(نگهبان، ۱۳۷۸، ۱۷۳)		۲۰ cm	۱۴ / ۵ cm	

کوهان انواع نمونه این ترکیب‌ها ساده را می‌توان در جام‌ها مشاهده کرد (جدول ۳-۲، تصویر ۵).






در ترکیب دیگری تخیل هنرمند پرواز بیشتری کرده و موجودی افسانه‌ای از ترکیب چند نوع حیوان و انسان در ظرافت و تناسبی خاص به وجود آورده است. این موجود صخره‌ای که بر بدنه جام طلای حسنلو نقش بسته است، عقاید و افسانه‌های اساطیری را که در ذهن هنرمندان و سازندگان آن‌ها وجود داشته‌اند منعکس می‌کند (جدول ۳-۲، تصویر ۱).  
**نقوش انسانی:** به‌طور کلی جام‌های مارلیک فاقد نقش انسانی می‌باشند. نقوش انسانی حک‌شده بر بدنه ساغر نقره‌ای حاوی افرادیست بدون شک خصوصیات چهره-اندام، طرز لباس پوشیدن، و سایر مشخصات این نقوش از آنچه در آن زمان رایج بودن اقتباس شده است. از بررسی نقوش انسانی می‌توان به تفاوت‌هایی در نحوه پوشش اقوام این ناحیه، که شاید حاکی از اختلاف و تفاوت در طبقه اجتماعی آنان است.

«در این نقوش؛ بر تن مردان پیراهن یا بالاپوش آستین کوتاه، دامن کوتاه چین‌دار با حاشیه تزیینی که در میان با کمر بند پهنی که تنگ بسته

حیوانات به‌صورت قرینه در حال بالارفتن از درخت یا در حالات گوناگون دیگر در دو طرف درخت قرار گرفته‌اند. همچنین گل هشت پری که از نظر شکل بسیار شبیه گل نیلوفر وحشی است و این نقش عموماً در هنر مارلیک مورد استفاده قرار گرفته است (جدول ۴-۲، تصویر ۳). در نقوش دو جام حسنلو هیچ نقشی از درخت و یا گل دیده نمی‌شود. به جز تصویر گندم که در قسمت انتهایی جام زرین به چشم می‌خورد.

**نقوش حیوانی:** علاوه بر نقوش نباتات، نقش حیوانات واقعی نیز در صحنه‌های نمایش داده‌شده روی جام‌ها و ظروف مارلیک مشاهده می‌شود. بیشتر این موجودات هنوز وجود دارند و از موجودات بومی منطقه یا نواحی مجاور محسوب می‌شوند. گاو شاخدار، آهو، بز کوهی، گوسفند، گراز، پلنگ، شیر، عقاب، و لاشخور و غیره موجودات تخیلی نیز که از خصوصیات هنر این دو منطقه بوده و از تلفیق و ترکیب قسمت‌های مختلف بدن حیوانات یا انسان و پرندگان به‌وجود آمده روی صحنه‌ها مشاهده می‌شود. بعضی از این ترکیبات تا اندازه‌ای ساده است. یعنی به بدن کامل حیوانی قسمتی از اندام‌های حیوانات یا پرندگان دیگر اضافه شده است مانند بال، شاخ، یا

جدول ۴-۲. تزیینات شمایی گیاهی و حیوانی و انسانی بدنه جام‌ها و جزئیات آن‌ها.

<p>این درخت با درخت‌های زرین که در منطقه مارلیک به وفور وجود دارد و جزء درختان بومی منطقه می‌باشد، شباهت تام داشته است.</p>		 <p>(نگهبان، ۱۳۷۸، ۱۷۵)</p>	<p>تزیینات شمایی گیاهی مارلیک تصویر ۲</p>	<p>گیاه شبیه به گندم که به صورت دایره‌وار قسمت تختانی جام را دور زده است.</p>	 	 <p>(پرادا، ۱۳۸۷، ۱۵)</p>	<p>تزیینات شمایی گیاهی حسنلو تصویر ۱</p>
<p>درخت زندگی در میان قروچ‌ها نقش شده و باعث تقارن و حرکت آن هاست. درخت زندگی در گلدانی قرار گرفته و ساقه آن را دو نوار ضخیم عمودی و قسمت بالای آن را بر گهای بیضی شکل و میوه‌ها آراسته‌اند.</p>		 <p>(ابراهیمی، ۱۳۸۴، ۲۵)</p>	<p>تزیینات شمایی حیوانی مارلیک تصویر ۴</p>	<p>نقش گیاهی گل رزت که نزدیک دهانه ظرف به صورت ردیف منظم تکرار شده است.</p>		 <p>(ابراهیمی، ۱۳۸۴، ۲۵)</p>	<p>تزیینات شمایی گیاهی مارلیک تصویر ۳</p>
<p>در بالاترین ردیف دو تا از آرايه‌ها توسط قاطر کشیده می‌شوند و یکی از خدایان با گاو نیز برابر سوین خدی ایستاده است. گوسفندی نیز به عنوان قربانی به چشم می‌خورد.</p>		 <p>(پرادا، ۱۳۸۷، ۱۵)</p>	<p>تزیینات شمایی حیوانی حسنلو تصویر ۶</p>	<p>نقش شیری که با گاو نری رویه‌رو شده است.</p>	 	 <p>(پرادا، ۱۳۸۷، ۲۶)</p>	<p>تزیینات شمایی حیوانی حسنلو تصویر ۵</p>




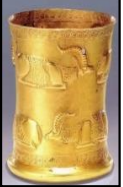
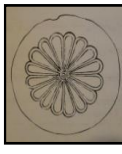





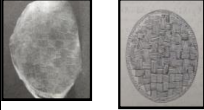









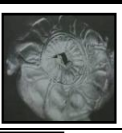








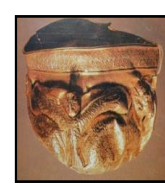


گوژکاری از طرف داخل ظروف و خط اندازی و حکاکی از جانب بیرونی آنها می‌باشد؛ که برای ایجاد بافت بر روی ظروف و گاهی برای ایجاد برجستگی بر روی آن‌ها؛ بر روی بدنه همه این جام‌ها و ظروف می‌توان بافت‌هایی از خطوط را که همگی از نظم خاصی پیروی می‌کنند مشاهده کرد. یکی از این نقوش، نقش عمومی ترنج هندسی است که در کف اکثر ظروف فلزی آشکار شده است. این ترنج‌های تزئینی هندسی از نظر تنظیم و جزییات نقش با هم متفاوت بوده و مجموعه بسیار متنوعی را عرضه می‌کنند و این ترنج‌ها از نظر تزئینی و جزییات و ظرافت با نقش و صحنه‌ای که روی بدنه ظرف نمایش داده شده هماهنگ است و از خطوط نقطه چین ساده که بدون نظم و ترتیب دایره‌ای را به چند قسمت تقسیم شروع شده و به تدریج به ترنج ساده فرورفته نامنظم که با نقش نقطه چین تزئین شده به وسیله یک نوار زیگزاکی محصور شده است، می‌رسد (جدول ۴-۳، تصاویر ۸ و







شده و کلاه یا کلاهخود مدور یا مخروطی شکلی بر سر که سر آنها بدون مو یا کم مو نمایش داده دیده می‌شود. مردانی که با لباس تقریباً ساده نمایش داده شده‌اند، اکثراً دارای صورت تراشیده هستند. ظاهراً افراد مهم‌تر دارای ریش بلند و موهای بلند و گاهی بافته و آرایش داده شده آنها از زیر کلاه با پیشانی بندهای تزئینی دیده می‌شده است». این در حالی است که مردی با ردای بلند بر روی جام - حسنلو در هیئت یک روحانی تصویر شده است؛ احتمالاً این نوع پوشش نشانه طبقه اول اجتماع بوده است در حالیکه جنگاوران با لباس های کوتاه نشانی از طبقه دوم یا طبقه جنگاور هستند (جدول ۴-۲، تصویر ۹).

۴-۲-۲. تزئینات انتزاعی

نقوش هندسی: تکنیک اجرایی برای تزئین همه این ظروف؛ شامل













جدول ۴-۳. تزئینات انتزاعی هندسی کف و لبه جام‌ها.

<p>نقش ترنج‌های هندسی و شطرنجی که از نظر تزئینی و جزییات و ظرافت با نقش و صحنه‌ای که روی بدنه ظرف نمایش داده شده هماهنگ است و طرح حاشیه ظروف که حالتی حصیری و گندم‌مانند ایجاد کرده است و بافت روی بدنه ظروف که با تکنیک گوژکاری و حکاکی صورت گرفته است.</p>		 <p>(نگهبان، ۱۳۷۸، ۱۷۲)</p>		 <p>(نگهبان، ۱۳۷۸، ۱۷۲)</p>	<p>تصویر ۱</p>
					
		 <p>(نگهبان، ۱۳۷۸، ۱۷۲)</p>		 <p>(نگهبان، ۱۳۷۸، ۱۷۲)</p>	<p>تصویر ۳</p>
					
		 <p>(ابراهیمی، ۱۳۸۴، ۲۵)</p>		 <p>(نگهبان، ۱۳۷۸، ۱۷۵)</p>	<p>تصویر ۵</p>
					
		 <p>(ابراهیمی، ۱۳۸۴، ۲۵)</p>		 <p>(ابراهیمی، ۱۳۸۴، ۲۵)</p>	<p>تصویر ۷</p>
					

<p>نقش انتزاعی - هندسی که به صورت حاشیه گدم مانند به صورت سه توار بافته شده به هم مشاهده می شود و طرح کف جام که از دو حلقه مضاعف چاغی، چهار قوچ در حال راه رفتن در چهار ضلع مربع با نقش شطرنجی ترسیم گردیده است. و طرح های خطی که در بدنه و حاشیه ساغر تفرهای مشاهده می شود.</p>			<p>(پرادا، ۱۳۸۷، ۲۶)</p>
	 	<p>تصویر ۱۰</p>	
			<p>(پرادا، ۱۳۸۷، ۱۵)</p>
<p>تزیینات انتزاعی محض - نقوش هندسی حسنلو تصویر ۹</p>			

جدول ۴-۴. بررسی عناصر ثابت و متغیر ظروف حسنلو و مارلیک.

۱۲ اثر از ظروف حسنلو و مارلیک به لحاظ عناصر ثابت و متغیر آنها گنجانده و بررسی شده.

تزیینات	حاشیه تزئینی		تصویر ظروف	منبع	شماره تصویر
	خط تفکیک زمینه	ندارد			
تزیینات	خط تفکیک زمینه	ندارد		(پرادا، ۱۳۸۷، ۲۶)	۲
	خط تفکیک زمینه	دارد		(ابراهیمی، ۱۳۸۴، ۲۵)	۴
تزیینات	خط تفکیک زمینه	ندارد		(ابراهیمی، ۱۳۸۴، ۲۵)	۶
	خط تفکیک زمینه	دارد		(نگهبان، ۱۳۷۸، ۱۷۲)	۸
تزیینات	خط تفکیک زمینه	ندارد		(نگهبان، ۱۳۷۸، ۱۷۲)	۱۰
	خط تفکیک زمینه	دارد		(کالیگان، ۱۳۸۴، ۳۲)	۱۲
تزیینات	خط تفکیک زمینه	ندارد		(پرادا، ۱۳۸۷، ۱۵)	۱
	خط تفکیک زمینه	دارد		(نگهبان، ۱۳۷۸، ۱۷۲)	۳
تزیینات	خط تفکیک زمینه	ندارد		(نگهبان، ۱۳۷۸، ۱۷۲)	۵
	خط تفکیک زمینه	دارد		(نگهبان، ۱۳۷۸، ۱۷۵)	۷
تزیینات	خط تفکیک زمینه	ندارد		(ابراهیمی، ۱۳۸۴، ۲۵)	۹
	خط تفکیک زمینه	دارد		(نگهبان، ۱۳۷۸، ۳۴۸)	۱۱

غیرهندسی دیگر نقوش حصیرمانندی است که در اغلب لبه ظروف هر دو ناحیه دیده می‌شود و در لبه همه ظروف به صورت متناوب و گندم مانند تکرار شده است (جدول ۴-۳، تصاویر ۹-۱).  
**نقوش غیر هندسی:** در جام‌های این دو ناحیه برای مطالعه نقوش

## نتیجه

در این مقاله تلاش شده است تا ۱۲ مورد از جام‌های دو تمدن مارلیک و حسنلو از لحاظ فرم و نقش مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. در واقع در بررسی فرمی جام‌های کشف‌شده از دو منطقه مارلیک و حسنلو آنچه آشکار است؛ شکل کلی یکپارچه و منسجم ظروف است که غالباً همگی به شکل جام هستند و هیچ زائده دسته‌مانند یا دهانه لوله‌ای در آنها وجود ندارد. خط زمینه تفکیک‌کننده سطوح بدنه ظروف که در جهت افقی کشیده شده است و این امکان را به طراح داده است تا وقایع یا نقوش مختلف را در کنار هم مرتب کند و از سطوح بالا و پائین جدا نماید. بدنه ظروف تا حدودی دارای شکل نیمه‌مخروطی با دهانه کمی بزرگ‌تر از انتهای ظرف ساخته شده است. ارتفاع و اندازه ظروف با یکدیگر متفاوت هستند. تکنیک اجرایی برای تزئین ۹ جام از مارلیک و ۲ جام از حسنلو؛ شامل گوژکاری از طرف داخل ظروف و خط‌اندازی و حکاکی از جانب بیرونی آن‌ها می‌باشد؛ که برای ایجاد بافت بر روی ظروف و گاهی برای ایجاد برجستگی بر روی آنها؛ بر روی بدنه همه این جام‌ها و ظروف می‌توان بافت‌هایی از خطوط را که همگی از نظم خاصی پیروی می‌کنند مشاهده کرد. همچنین سبکی مشابه سبک تزئینی چکش کاری جام‌های لرستان را می‌توان در برخی از جام‌های تپه مارلیک مشاهده کرد.

از نقش انتزاعی قابل مشاهده، نقش عمومی ترنج هندسی و نقش متناوب شبیه حصیر است که نقش ترنج در کف و نقش حصیر در لبه ۹ مورد از آثار مارلیک و هر ۲ جام حسنلو شکار شده است. در جام‌های این دو ناحیه اثری از نقوش غیر هندسی یافت نشد. به طور کلی در همه ظروف می‌توان یک نظم حساب شده و زیبایی را از تزئین مشاهده کرد و هیچ خطی ناآگاهانه ترسیم نشده است. نتیجه مطالعات از مقایسه آثار با اقوام دیگر و همچنین مقایسه آنها با یکدیگر نشان می‌دهد که این آثار به لحاظ ساختار کلی ظروف شامل تکنیک و روش ساخت و همچنین فرم، نقوش و تزئینات مشابه و قابل مقایسه با یکدیگر بوده و نشانگر وجود ریشه‌های واحد قومی و ارتباطی است که از منظر نواحی شمالی و غرب دریای خزر، اطراف دریاچه ارومیه، قفقاز، مارلیک و لرستان قابل بررسی می‌باشند. همچنین می‌توان با توجه به یافته‌ها و ویژگی‌های هنری آثار مکشوفه از گورستان مارلیک، ادعا کرد که این آثار علاوه بر از اختصاصات هنر آشور از هنر اورارتو مخصوصاً در منطقه حسنلو و مانا که یکی از متحدان آن به شمار می‌رود متأثر بوده‌اند.

در این مقاله تلاش شده است تا ۱۲ مورد از جام‌های دو تمدن مارلیک و حسنلو از لحاظ فرم و نقش مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. در واقع در بررسی فرمی جام‌های کشف‌شده از دو منطقه مارلیک و حسنلو آنچه آشکار است؛ شکل کلی یکپارچه و منسجم ظروف است که غالباً همگی به شکل جام هستند و هیچ زائده دسته‌مانند یا دهانه لوله‌ای در آنها وجود ندارد. خط زمینه تفکیک‌کننده سطوح بدنه ظروف که در جهت افقی کشیده شده است و این امکان را به طراح داده است تا وقایع یا نقوش مختلف را در کنار هم مرتب کند و از سطوح بالا و پائین جدا نماید. بدنه ظروف تا حدودی دارای شکل نیمه‌مخروطی با دهانه کمی بزرگ‌تر از انتهای ظرف ساخته شده است. ارتفاع و اندازه ظروف با یکدیگر متفاوت هستند. تکنیک اجرایی برای تزئین ۹ جام از مارلیک و ۲ جام از حسنلو؛ شامل گوژکاری از طرف داخل ظروف و خط‌اندازی و حکاکی از جانب بیرونی آن‌ها می‌باشد؛ که برای ایجاد بافت بر روی ظروف و گاهی برای ایجاد برجستگی بر روی آنها؛ بر روی بدنه همه این جام‌ها و ظروف می‌توان بافت‌هایی از خطوط را که همگی از نظم خاصی پیروی می‌کنند مشاهده کرد. همچنین سبکی مشابه سبک تزئینی چکش کاری جام‌های لرستان را می‌توان در برخی از جام‌های تپه مارلیک مشاهده کرد.

تزئینات بدنه در دو گروه مورد بررسی قرار گرفته است: شمایی و انتزاعی. تزئینات ظروف مورد بررسی در این مقاله در سه گروه شمایی شامل نقوش گیاهی، جانوری و انسانی و انتزاعی متشکل از نقوش هندسی و غیرهندسی تقسیم‌بندی شده است. یکی از نقوش گیاهی مورد بررسی نقش درخت شبیه نخل خرما است که در ۳ مورد از جام‌های مارلیک دیده شده است و در نقوش دو جام حسنلو هیچ نقشی از درخت و یا گل دیده نمی‌شود. به جز تصویر گندم که در قسمت انتهایی جام زرین به چشم می‌خورد. تصاویر حیوانات، شامل گاو شاخ‌دار، آهو، بز کوهی، گوسفند، گراز، شیر، عقاب، و لاشخور و غیره موجودات تخیلی نیز که از خصوصیات هنر این دو منطقه بوده و از تلفیق و ترکیب قسمت‌های مختلف بدن حیوانات و پرندگان به وجود آمده بر روی بدنه همه جام‌ها قابل رویت می‌باشد. می‌توان گفت که این نوع نقوش حیوانی که از استپ‌های اروپا و آسیایی

از نقوش انتزاعی قابل مشاهده، نقش عمومی ترنج هندسی و نقش متناوب شبیه حصیر است که نقش ترنج در کف و نقش حصیر در لبه ۹ مورد از آثار مارلیک و هر ۲ جام حسنلو شکار شده است. در جام‌های این دو ناحیه اثری از نقوش غیر هندسی یافت نشد. به طور کلی در همه ظروف می‌توان یک نظم حساب شده و زیبایی را از تزئین مشاهده کرد و هیچ خطی ناآگاهانه ترسیم نشده است. نتیجه مطالعات از مقایسه آثار با اقوام دیگر و همچنین مقایسه آنها با یکدیگر نشان می‌دهد که این آثار به لحاظ ساختار کلی ظروف شامل تکنیک و روش ساخت و همچنین فرم، نقوش و تزئینات مشابه و قابل مقایسه با یکدیگر بوده و نشانگر وجود ریشه‌های واحد قومی و ارتباطی است که از منظر نواحی شمالی و غرب دریای خزر، اطراف دریاچه ارومیه، قفقاز، مارلیک و لرستان قابل بررسی می‌باشند. همچنین می‌توان با توجه به یافته‌ها و ویژگی‌های هنری آثار مکشوفه از گورستان مارلیک، ادعا کرد که این آثار علاوه بر از اختصاصات هنر آشور از هنر اورارتو مخصوصاً در منطقه حسنلو و مانا که یکی از متحدان آن به شمار می‌رود متأثر بوده‌اند.

## فهرست منابع

- حاتم، غلامعلی (۱۳۸۵)، *آشنایی با هنر در تاریخ ۲*، تهران: پیام نور.  
 دایسون، رابرت هنری (۱۳۸۶)، *دژ حسنلو*، تهران: گنجینه هنر.  
 دیاکونوف، ام (۱۳۷۷)، *تاریخ ماد*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.  
 روینسون، کارن (۱۳۸۷)، *جام زرین حسنلو از منظر قفقاز*، ترجمه علی صدرایی و صمد علیون، مجموعه مقالات جام زرین حسنلو، تهران: گنجینه هنر.  
 رئیس‌نیا، رحیم (۱۳۷۹)، *آذربایجان در سیر تاریخ ایران از آغاز تا اسلام*، تهران: مینا.  
 خلعتبری، محمدرضا (۱۳۸۷)، "تحلیلی بر نتایج اولین فصل کاوش محوطه باستانی تول گیلان"، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، سال

- ابراهیمی لویه، عادل (۱۳۸۴)، *تپه مارلیک*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.  
 اصلاح عربانی، ابراهیم (۱۳۷۴)، *کتاب گیلان*، تهران: گروه پژوهشگران ایران.  
 پرادا، ادیت (۱۳۸۳)، *هنر ایران باستان*، ترجمه یوسف مجبیزاده، تهران: دانشگاه تهران.  
 پرادا، ادیت (۱۳۸۷)، *جام حسنلو*، ترجمه علی صدرایی و صمد علیون، مجموعه مقالات جام زرین حسنلو، تهران: گنجینه هنر.  
 تسلیمی، علی (۱۳۸۱)، *گنبد از جهان افسانه: نقد و تحلیل افسانه‌های گیلان*، رشت: چوبک.

رفته در نقوش تحتانی جام طلایی حسنلو و پیشینه آن»، *مجله حافظ*، شماره ۷۸. نجفی قره‌آغاجی، محمدرضا (۱۳۸۹)، «جستاری در نقوش هنری جام طلایی حسنلو و پیشینه نقوش آن»، *مجله حافظ*، شماره ۷۸. نگهبان، عزت‌الله (۱۳۷۸)، *باستان‌شناسی و تاریخ ایران*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

وینتر، آیرین (۱۳۸۷)، *جام زرین حسنلو: سی سال بعد*، ترجمه علی صدراپی و صمد علیون، مجموعه مقالات جام زرین حسنلو، تهران: گنجینه هنر.

Calmeyer, P. (1982), *Mesopotamia und Iran im II und I Jahrtausend*, in Nissen H. J. & Renger J. (eds). *Mesopotamien und seine Nachbarn*, Berliner Beitrage zum Vorderen Orient, Band 1, Berlin. pp. 339-348.

پنجاه و نهم، شماره ۱. کالیکان، ویلیام (۱۳۸۴)، *باستان‌شناسی و تاریخ هنر در دوران مادی‌ها و پارسی‌ها*، ترجمه گودرز اسعد بختیار، تهران: پازینه. گریشمن، رومن (۱۳۷۹)، *تاریخ ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمود بهروزی، تهران: چاپ نیل.

ماسکارلا، اسکار وایت (۱۳۸۶)، *نبرد حسنلو در اواخر قرن نهم ق.م*، ترجمه علی صدراپی و صمد علیون، مجموعه مقالات جام زرین حسنلو، تهران: گنجینه هنر. معقولی، نادیا؛ کشتکار، مهدیه (۱۳۹۴)، «خوانش نشانه‌شناسانه نقوش جام‌های مارلیک»، *دوفصلنامه هنرهای کاربردی*، شماره ۷.

ملک‌زاده، مهرداد (۱۳۷۶)، *جایگاه مادها در تاریخ ایران*، مجموعه گزارش‌های باستان‌شناسی، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی. نجفی قره‌آغاجی، محمدرضا؛ حاتم، غلامعلی (۱۳۸۹)، «تفسیر نمادهای به‌کار

---

## The Comparative Study of Shape & Designs of Hasanloo & Marlik Cups

---

Forugh Jalilinia<sup>1</sup>, Farnoush Shamili<sup>2</sup>

<sup>1</sup>Master of Handicrafts, Department of Handicrafts, Faculty of Art, Soore University, Tehran, Iran.

<sup>2</sup>Assistant Professor, Faculty of Visual Arts, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

(Received: 17 Nov 2019, Accepted: 29 Sep 2020)

The study of archeological documents during archaeological excavations has always been a means to discover the relationships, solidarities, and interactions of prehistoric peoples and tribes. As we know, the first empires in human history were established at the beginning of the first millennium BC, when the civilization of the Iron Age of Guilan took place. The three Near East countries i.e., the Urartu, Ilam and Assyrian Empires in the first millennium BC, were the first ones claiming the “World Empire”. Urartu was partially succeeded in unifying all of the Armenian plateau (eastern Anatolia) and part of the Transcaucasian. We have very little knowledge of Ilam. However, we have much to learn about Assyria, which was at its peak as the first “world empire” to encompass much of the civilized world of the age. The attempt in this article is to respond to two basic questions by studying and analyzing the shape and visual characteristics of the metal cups discovered from two given basins, namely Marlik and Hassanloo. First, what are the common aspects of Hassanloo’s and Marlik’s metalwork, and second, what kinds of effect do the specific characteristics of these dishes reflect from the adjacent tribes and contemporary neighbors of Iran. The method of gathering resources has been library (inductive), In so doing, the researcher in this descriptive-analytical research classified and examined twelve samples (two from Hassanloo and ten from Marlik) And he explains the ways they share and differentiate and presented the results into the tables. In this regard, these cups are first identified and presented in terms of form and content and then body decorations are comparatively shown and identified. Iconic decorations can be examined in two categories: iconic-abstract and iconic-natural. The decorations of the containers studied in this paper are divided into two iconic-abstract including plant, animal, human, and pure abstract motifs consisting of geometric and non-geometric designs. One of the most important findings of this research is the study and comparison of the discovered metal cups from the excavations of south of Caspian Sea and Lake Urmia in terms of visual structure, executive technique, method of construction and content of

their designs reveal unity and correlation in ethnic, cultural and inter-ethnic roots among inhabitants of the ancient hills of Marlik and Hassanloo in the late second millennium and early first millennium BC. Further reflection on the design of these cups traces the connections and influences of these ancient regions with the northern Caspian basin and ancient hills located in contemporary southern Russia and the present Caucasus and areas around Lake Van and the northwestern region of present Iran; i.e., the Urartu. It also explains the culture of Lorestan and Silk Kashan from the south and west. Drawn upon the artistic findings and characteristics taken from the discoveries of the Marlik Cemetery, it can also be claimed that these works were influenced by the features of Assyrian art as well as Urartu’s, especially in Hassanloo and Mannea, one of its allies.

### Keywords

Metal Cups, Hasanloo, Marlik, Form & Decorations, Common Aspects, Effects.

---

<sup>\*</sup>Corresponding Author: Tel: (+98-914) 4161620, Fax: (+98-41) 35419700, E-mail: f.shamili@ tabriziau.ac.ir .